

## درس پنجم جمله بعد از نکره

بعد از اسم نکره فعلی بیاید که آن اسم نکره را توصیف کند ، در ترجمه فارسی بعد از آن اسم حرف ربط (که) می آید و فعل مطابق شرایط جمله ترجمه می شود.

شاهدنا سنجاباً یقفز من شجرة إلى شجرة . سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرید.

**نکته ۱)** همانطور که مشاهده می کنید فعل ماضی + مضارع = ماضی استمراری ترجمه می شود

رایت و لدا یمشی بسرعة . پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

**نکته ۲)** مضارع + مضارع = مضارع التزامی ترجمه می شود

أفتش عن معجم يساعذني في فهم النصوص .

دنبال فرهنگ لغتی می گردم که مرا در فهم متون کمک کند.

**نکته ۳)** ماضی + ماضی = ماضی بعید یا ماضی ساده ترجمه می شود

إشتریت اليوم كتاباً قد رأيته من قبل امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم (دیدم)

**نکته ۴)** به فعلی که بعد از اسم نکره می آید صفت جمله وصفیه می گویند.

**نکته ۵)** اگر جمله ای با حروفی مانند : ( و ف ثم ا ، ا ) شروع شود دیگر جمله وصفیه نیست و با (که) معنی نمی شود

«قرات آية فَأَثَرَت في قلبي» آیه ای را خواندم و در قلبم اثر گذاشت.

## تست درس پنجم

۱) «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»

۱) ای کسانی که ایمان آورده اید ، تقوای خدا پیشه کنید و سخنی استوار بگویید.

۲) ای کسانی که ایمان دارید، از خداوند بترسید و سخن های درست بگویید.

۳) ای افرادی که می خواهید ایمان بیاورید، از خدا بترسید و سخن درستی بگویید

۴) کسانی که ایمان آورده اند ، قطعاً از خداوند می ترسند و سخن استوار می گویند

۲) لِكَلَامٍ آدَابٍ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَدْعُو الْمُخَاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ الْعَمَلِ الصَّالِحِ

۱) برای سخن آدابی وجود دارد که هرگوینده باید به آن ها عمل کند و مخاطبان را با سخنی زیبا به کار نیک دعوت کند

۲) سخن آدابی دارد که گوینده باید به آن ها عمل کند و مخاطبان را با کلامی زیبا به کار نیک دعوت کند.

۳) سخن آداب دارد که گوینده باید به آن ها عمل کند و مخاطبان را به سخن زیبا به کارهای نیک فرا بخواند.

۴) سخن گفتن آدابی دارد که گوینده به آن ها عمل می کند و مخاطب را با سخن زیبا به نیکی در کارهایش دعوت می کند.

۳) «لِمَ تَدْخُلْتَ فِي مَوْضِعٍ عَرَّضَ نَفْسَكَ لِلتَّهْمِ؟!»

۱) برای چه در موضعی دخالت می کنی که تو را در معرض تهمت ها قرار می دهد

۲) چگونه در موضعی دخالت کردی که تو را در معرض تهمت قرار داده است

۳) چرا در موضعی دخالت می کنی که تو را در معرض تهمت ها گذاشته است

۴) چرا در موضعی دخالت کردی که تو را در معرض تهمت ها قرار داد. (قرار داده بود)

۴) عین الصحیح :

۱) شاهدنا سنجاباً يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ : سنجابی را دیدم که از درختی به درختی می پرد.

۲) إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ : راضی کردن مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود.

۳) كُنَّا نَقْرَأُ قَصِيدَةً تُرْسِدُنَا إِلَى الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ : قصیده ای را می خوانیم که ما را به راه مستقیم هدایت کند.

۴) صَرَخَ فِي الْمَعْرَكَةِ رَجُلٌ جُرْحَ بِشَدَّةٍ : در میدان جنگ مردی فریاد زد که بشدت زخمی شده بود

۵) عَيْنُ الْأَقْرَبِ مِنْ مَفْهُومِ عِبَارَةِ «تَكَلَّمَ حَتَّى أَرَاكَ»

۱) عیبی اگر زبان راست، شکر و سپاس پوشد ۲) سخن چین بدبخت هیزم کش است.

۳) تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد ۴) مومن سکوت می کند تا سالم بماند.

٦ عَيْن ما مناسبٌ للفراغِ لإيجادِ جملةٍ وصفيةٍ :

«قرأتُ ... من هذا الشاعر أعجبتني كثيراً»

(١) اشعاراً (٢) قصيدةً (٣) جملةً (٤) بيتاً

٧ عَيْن المناسب للفراغِ : «قرأتُ قصيدةً .... الى الصراطِ المستقيم» .

(١) تُرشدُ (٢) يُرشدُ (٣) يُرشدُ (٤) تُرشدُ

٨ عَيْن الخطأ عن عبارة : «يُعجبني عيدٌ يفرحُ فيه الفقراءُ»

(١) يفرحُ : جملةٌ وصفيةٌ (٢) الفقراءُ : فاعل (٣) عيدٌ : مفعول (٤) فيه : جار ومجرور

٩ عَيْن عبارةٌ وُصِفَ فيها اسمٌ نكرةٌ :

(١) و خَلَقَ لَنَا حَدَائِقَ مُثْمَرَةً تُسْقَى بِالْمَاءِ (٢) هناك جلسةٌ علميةٌ فتغيّرت ساعة الامتحان

(٣) وَ نَحْنُ كُنَّا نَدْعُو اللَّهَ أَنْ تَصِلَ سَالِمَةً (٤) يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُسَلِّمَ قَبْلَ الْكَلَامِ

١٠ عَيْن عبارةٌ لَيْسَ فيها اسمٌ نكرةٌ :

(١) قُلِ الْحَقُّ وَ لَوْ كَانَ مُرّاً (٢) كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ

(٣) كَانَتْ السَّيْرَةُ تَذْهَبُ بِسُرْعَةٍ لَا تُوصَفُ (٤) إِنَّ شَكْلَ الْأَرْضِ قَرِيبٌ بِالذَّائِرَةِ

١١ عَيْن فعلاً جاءَ بعدَ النكرة

(١) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْفَذُكَ مِنْ مَصِيبَةِ الْجَمَلِ (٢) رَأَيْتُ حَمِيداً يَلْعَبُ فِي الشَّارِعِ

(٣) الرَّجُلُ الْمُتَكَبِّرُ لَا يُعْبَدُ اللَّهَ (٤) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ

١٢ - عَيْن عبارةٌ لا تُوجَدُ فيها فعلٌ بعدَ النكرة :

(١) الْقِنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَغْنَى (٢) شَاهَدْنَا سَنجَاباً فَوْقَ الشَّجَرَةِ

(٣) سَلَّمْتُ إِلَى مُعَلِّمٍ وَقَفَ فِي الْمَدْرَسَةِ (٤) إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ

١٣ - عَيْن فعلاً وُصِفَ إِسْمُ النكرة :

(١) فِي الْحَصَةِ الْأُولَى الطَّلَابُ يَسْتَمْعُونَ كَلَامَ الْمُعَلِّمِ (٢) قَرَأْتُ قَصِيدَةً تُرْسِدُ إِلَى الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ

(٣) الْعِلْمُ أَصْلٌ كُلُّ خَيْرٍ ، الْجَهْلُ أَصْلٌ كُلُّ شَرٍّ (٤) قَبْرُ كُورُوشِ يَجْذِبُ سَيَّاحاً مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ

١٤ - عَيْن الصحيح في العبارة التالية : «وَجَدْتُ بَرْنَامِجاً يُسَاعِدُنِي فِي تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ»

(١) صِفَتْ وَاحِدٌ (٢) نَكَرَتَانِ اثْنَتَانِ (٣) مَفْعُولٌ وَاحِدٌ (٤) لَا يُوجَدُ مِضَافٌ إِلَيْهِ

١٥- عَيْنُ فِعْلًا جَاءَ بَعْدَ اسْمِ الْفَاعِلِ النِّكْرَةَ :

- (١) أَخَذَ الطَّالِبُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ  
(٢) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُبْعِدُكَ مِنَ الضَّلَالَةِ  
(٣) شَاهَدْتُ طَالِبًا يَسْعَى بِهَمَةٍ وَنَشَاطٍ  
(٤) رَأَى الرَّئِيسَ الْمَوْظِفِينَ يَعْمَلُونَ بِجِدٍّ وَنَشَاطٍ

١٦- اِنتَخِبَ عِبَارَةٌ فِيهَا جُمْلَةٌ فَعْلِيَةٌ جَاءَتْ بَعْدَ النِّكْرَةِ :

- (١) طَلَبَ هَذَا التَّلْمِيزُ مِنْ ذَلِكَ الْمَعْلَمِ مُوعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي  
(٢) لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ  
(٣) لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ  
(٤) مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ

١٧- عَيْنُ فِعْلٍ «خَرَجَ» وَصَفَ اسْمًا نِكْرَةً :

- (١) خَرَجَ الطَّالِبُ مِنَ الصَّفِّ  
(٢) خَرَجَ عَلَيَّ وَ ذَهَبَ مَعَ صَدِيقِهِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ  
(٣) شَاهَدْتُ طَالِبًا خَرَجَ مِنَ الصَّفِّ  
(٤) رَأَيْتُ حَمِيدًا خَرَجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ

١٨- عَيْنُ فِعْلًا فِي مَعْنَى الْمَاضِي الْاسْتِمْرَارِيِّ :

- (١) شَاهَدْتُ تَلْمِيزًا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ  
(٢) اِشْتَرَيْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ  
(٣) أَفْتَشُّ عَنِ كِتَابٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ  
(٤) إِنَّهُ طَبِيبٌ أَحَدَثَ تَحَوُّلًا فِي عِلْمِ الطَّبِّ

١٩- عَيْنُ الْمَفْعُولِ فِي جُمْلَةٍ وَصَفَتْ نِكْرَةً (عَيْنُ الْمَفْعُولِ فِي جُمْلَةٍ وَصْفِيَّةٍ)

- (١) شَاهَدْتُ سَنَجَابًا يَفْقِرُ مِنْ شَجَرَةٍ  
(٢) رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ  
(٣) يُسْمَعُ صَوْتٌ يُجَدِّرُ جَمِيعَ التَّلَامِيزِ مِنَ الْخَوْفِ  
(٤) الْغَيْبُ الْبَرَّازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنِ بَاقِيِ الْأَشْجَارِ

٢٠- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَحْلِيلِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ «سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي»

- (١) سَافَرْتُ : فِعْلٌ مَاضٍ ، مَزِيدٌ مِنْ بَابِ أَعْمَلَ ، أَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٌ - مَبْنِيٌّ لِلْمَعْلُومِ  
(٢) شَاهَدْتُ : فِعْلٌ مَاضٍ ، لَازِمٌ - مَبْنِيٌّ لِلْمَعْلُومِ - مَزِيدٌ مِنْ بَابِ مَفَاعَلَةٌ - أَوَّلُ شَخْصٍ مَفْرُودٌ  
(٣) صُورَةٌ : اسْمٌ - مَفْرُودٌ مَذْكَرٌ - جَامِدٌ / جَارٍ وَمَجْرُورٌ  
(٤) قَرْيَةٌ : اسْمٌ مَفْرُودٌ مَوْثِقٌ - نَكْرَةٌ / إِلَى قَرْيَةٍ : جَارٍ وَمَجْرُورٌ

## تست های چهار گزینه ای عربی یازدهم انسانی (کاردرمنزل)

### درس پنجم

عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ (۱-۸):

۱- "نَدِمَ الرَّجُلُ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَكَانَ يُحَاوِلُ أَنْ يُصْلِحَهَا."

- (الف) مرد به خاطر کار بدش پشیمان شد و تلاش کرد که آن را جبران کند.  
(ب) آن مرد به خاطر کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرد که آن را جبران نماید.  
(ج) مرد به خاطر کارهای بدش پشیمان شد و تلاش می کرد که آن ها را جبران کند.  
(د) مردی به خاطر کارهای بدش پشیمان شد و تلاش کرده بود که آن را جبران نماید.

۲- "لِلْمَنَعِ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي، التَّزَمُوا بِالصِّدْقِ وَ اَوْفُوا بِالْعَهْدِ."

- (الف) به راستگویی پایبند باشید و به عهد وفا کنید تا از انجام گناهان جلوگیری کنید.  
(ب) برای جلوگیری از انجام گناهان به راستگویی پایبند بودند و به عهد وفا کردند.  
(ج) پایبندی به راستگویی و وفای به عهد لازمه جلوگیری از انجام گناهان هستند.  
(د) راستگو باشید و وفای به عهد کنید و از گناهان خودداری نمایید.

۳- "أَسْرَعَ الْأَصْحَابُ لِإِنْقَادِ شَابٍّ كَانَ يَسْبُحُ فِي الْبَحْرِ وَ يَتَظَاهَرُ بِالْغَرَقِ."

- (الف) با دوستان برای نجات جوان شناگر در دریا که ظاهراً در حال غرق شدن بود شتافتیم.  
(ب) دوستان با عجله رفتند و جوان شناگر را در دریا که نزدیک بود غرق شود نجات دادند.  
(ج) دوستان برای نجات جوانی که در دریا شنا می کرد و وانمود به غرق شدن می نمود، شتافتند.  
(د) دوستان برای نجات یک جوان که در دریا شنا می کرد و وانمود به غرق شدن می کند شتافتند.

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ: "لَا تَسْتَشِيرِ الْكُذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ."

- (الف) با دروغگو مشورت نمی کنی چون مثل سراب دور و نزدیک را وارونه می کند.  
(ب) با فرد بسیار دروغگو مشورت نمی کنی زیرا مانند سراب نزدیک را برای تو دور و دور را نزدیک می کند.  
(ج) با فرد بسیار دروغگو مشورت نکن زیرا او همچون سرابی است که نزدیک را برای تو دور و دور را نزدیک می گرداند.  
(د) با فرد بسیار دروغگو مشورت نکن زیرا او همچون سراب است که دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور می سازد.

## ۵- عَيْنَ الصَّحِيحِ.

- (الف) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ: خدایا به درستی پناه می برم به تو از نفسی که سیر نمی شود.  
(ب) أَعْجَبَنِي عَيْدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ: از عیدی که در آن نیازمندان خوشحالی می کردند خوشم آمد.  
(ج) شَاهَدْنَا سِنْجَابًا قَفَزَ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى: سنجابی را دیدم که از درختی به درختی دیگر می پرید.  
(د) أَقْرَأُ قَصِيدَةً تُرْشِدُنِي إِلَى حَيَاةٍ فَرِحَةٍ: قصیده ای را خواندم که من را به یک زندگی شاد راهنمایی می کرد.

## ۶- عَيْنَ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ.

- (الف) لَا تُحَدِّثُ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ: جز راست نباید گفت/ هر راست نشاید گفت  
(ب) لَا تَغْتَرَّوْا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ: این نماز و روزه و حج و جهاد/هم گواهی دادن است از اعتقاد  
(ج) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدَقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَخْتِيَالِهِ: سعیدیا راست روان گوی سعادت بردند/ راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار  
(د) اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ: عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ

## ۷- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْوَاقِعِ.

- (الف) يَظْهَرُ مَا نَخَفَى فِي فَلَتَاتِ لِسَانِنَا.  
(ب) الصَّدَقُ مَعَ اللَّهِ لَا يَنْجَلِي بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ.  
(ج) الْكِتَابُ يُنْقِذُنَا مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ فَقَطْ.  
(د) لَا تَكَلِّمِ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

## ۸- عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْفَرَاغِ: "مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي..... بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ رِيَالًا لِأَتَّصِلَ."

- (الف) رَصِيدًا (ب) بِطَاقَةً (ج) شَحْنًا (د) شَرِيحَةً

إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۹-۱۲):

كَانَ فَلَاحٌ يَتَوَضَّأُ فَمَرَّ بِهِ ثَلَاثَةُ رِجَالٍ أَغْنِيَاءَ وَ تَوَقَّفُوا عِنْدَهُ. أَرَادُوا إِيْدَاعَهُ وَ قَالَ أَحَدُهُمْ: إِنِّي أَمْلِكُ مِنَ الذَّهَبِ مَا يَمَلَأُ بَيْتَ هَذَا الْفَقِيرِ. وَ قَالَ الثَّانِي: إِنِّي

أَمْلِكُ مِنَ الْفِضَّةِ مَا يُعَادِلُ مَحْصُولَ هَذَا الْفَلَاحِ. وَ قَالَ الثَّلَاثُ: أَنَا أَمْلِكُ مِنَ الْجَوَاهِرِ مَا يُعَادِلُ وَزْنَ الْفَلَاحِ الْفَقِيرِ. قَامَ الْفَلَاحُ وَ نَظَرَ إِلَيْهِمْ وَ قَالَ: أَمَّا أَنَا

فَأَمْلِكُ كَنْزًا كَبِيرًا، أَنَا أَحْمِلُ فِي قَلْبِي كَنْزًا يُعَادِلُ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَ هُوَ الْقَنَاعَةُ. خَجَلِ الرِّجَالُ، بَيْنَمَا ذَهَبَ الْفَلَاحُ وَ يُصَلِّي بِخُشُوعٍ.

## ۹- مَنْ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَقِيقِيُّ؟ الْغَنِيُّ الْحَقِيقِيُّ هُوَ صَاحِبُ.....

- (الف) الأحجار الكريمة (ب) الخشوع في كلامه (ج) الذهب و الفضة (د) القلب القانع

١٠- لآي أمرِ كانَ الفلاحَ يتهياً؟ كانَ يتهياً .....

الف) للزراعة (ب) للعمل (ج) للصلاة (د) للوضوء

١١- عيّن الخطأ للفرّاغ: أنا أملك .....

الف) قناعة تعادل القلب (ب) فضة تعادل المحصول (ج) ذهباً يعادل البيت (د) جواهر تعادل وزن الفلاح

١٢- ماذا كان هدف الرجال الأغنياء من كلامهم؟ كان الهدف .....

الف) الإطلاع (ب) الإستخفاف (ج) الإختبار (د) الإستضعاف

عيّن المناسب في الجواب (١٣-٢٠):

١٣- عيّن العبارة التي ليس فيها فعلٌ متعّذ.

الف) يَصِفُ لَهُ الطَّبِيبُ دَوَاءً لِشِفَاءِ مَرَضِهِ.

ب) إِنِّي أَحِبُّ الْمُطالَعَةَ عَنِ النَّبَاتَاتِ.

ج) يُوكِّدُ الإِسْلَامَ عَلَى تَرْبِيَةِ تَقَوْمٍ عَلَى أُسَاسِ الإِحْتِرَامِ.

د) إِحْتَرِمُ كُلَّ النَّاسِ حَتَّى الصَّغَارِ.

١٤- عيّن فعلاً يُعَادِلُ المَاضِيَ الاستمراري.

الف) نَجَحَتِ الطالِبَاتُ يُحاوِلْنَ في دُرُوسِهِنَّ.

ب) يَذْهَبُ إِلى مُعَلِّمٍ يَشْرُحُ لَهُ القَضِيَّةَ.

ج) حاوَلَ العُلَماءُ لِمَعْرِفَةِ سِرِّ أبعَدنا مِنَ الخَطَرِ.

د) أَخَذْتُ كِتاباً رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلِ.

١٥- عيّن فعلاً يُعَادِلُ عَلَى المَاضِيَ البعيد.

الف) اشْتَرَيْتُ قَمِيصاً تَمَنُّهُ رَخيصٌ.

ب) طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمَنُّهُ عَنِ المَعاصِي.

ج) فَتَنَّتْ عَنِ مُعْجَمٍ ساعَدَنِي في فَهْمِ النِّصِّ.

د) يَجِدُ بَرنامِجاً يُساعِدُهُ عَلَى تَعَلُّمِ الكَمبِيوتَرِ.

١٦- عيّن الخطأ فيما أُشيرَ إليه بخط: "لَهُ غِشاءٌ خاصٌّ يَفْتَحُهُ كالمِظَلَّةِ وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ في الغاباتِ."

الف) غِشاءٌ : مبتدا / الغابات : جمع سالم للمؤنث (ب) يَفْتَحُ : يَصِفُ نَكْرَةً / يَسْتَطِيعُ : فعل مضارع

ج) مِظَلَّةٌ : مجرور بحرف الجرّ / يَفْتَحُ : فعل مضارع (د) الغابات : مجرور بحرف الجرّ / يَسْتَطِيعُ : من باب

افتعال

۱۷- عَيْنُ فِعْلًا يُعَادِلُ عَلِي الْمَضَارِعِ الْإِلْتِزَامِي.

الف) رَأَى طِفْلاً يَكْذِبُ لِلْآخَرِينَ. (ب) يُحَاوِلُ أَنْ تَكُونَ إِنْسَانًا يُعَلِّمُ النَّاسَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ.

ج) عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ. (د) بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا يَأْمُرُنَا بِالصِّدْقِ.

۱۸- عَيْنٌ مَا لَا يَشْتَمِلُ عَلَى جَمَلَةٍ تَصِفُ نِكْرَةً.

الف) نَظَرْتُ عَلَى قَطْرَاتِ مَاءٍ تَسْقُطُ مِنَ الْأَزْهَارِ. (ب) سَاعَدَ الْغُرَابُ الْحَيَوَانَاتِ تَعِيشُ فِي الْغَابَةِ.

ج) رَأَيْتُ تَلْمِيزًا يَلْعَبُ فِي السَّاحَةِ مَعَ زُمَلَانِهِ. (د) جَاءَ رَجُلَانِ قَاتِلًا مَعَ الْأَعْدَاءِ.

۱۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ لِإِجَادِ اسْلُوبٍ وَصَفِيَّةٍ. أَرْسَلُوا فَرِيقًا لِلتَّعْرِفِ عَلَى ..... عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ.

الف) أَسْمَاكِ عَجِيبَةٍ (ب) الْأَسْمَاكِ تَنْسَاقُ (ج) الْأَسْمَاكِ الْعَجِيبَةِ (د) أَسْمَاكِ تَنْسَاقُ

۲۰- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ مُعَادِلِ الْأَفْعَالِ الْمُعَيَّنَةِ بِالْفَارْسِيَّةِ.

الف) وَجَدْتُ حَيَوَانًا يَعْيشُ فِي الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ: مَاضِي اسْتِمْرَارِي

ب) يُرْسِلُ صَوْتًا يُحَذِّرُ النَّاسَ: مَضَارِعِ التَّزَامِي

ج) رَأَيْنَا مُعَلِّمًا تَحَدَّثَ عَنِ الْأَدَبِ الْفَارْسِيِّ: مَاضِي بَعِيدِ

د) تَعَلَّمَ عِلْمًا يُسَاعِدُهُ فِي فَهْمِ اللُّغَاتِ: مَضَارِعِ التَّزَامِي

تست های کنکور کتابهای قدیم متناسب با درس چهارم

عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ

۱) « مَنْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ الْأَنْبِيَاءِ الْحَقِّ قَلِيلُونَ: أَوْلَنكَ هُمُ الْفَانِزُونَ وَ الْمُرْشِدُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ » (سراسری زبان ۹۱)

۱) آن ها که سخنان درست را از پیامبران شنیده اند کم می باشند، و آنان رستگارانند که به طریق حق راهنمایی شده اند.

۲) کسانی که سخن حق انبیاء را می شنوند اندک هستند، آن ها همان رستگاران و هدایت شدگان به راه حق می باشند.



۳) آن ها که حقیقتاً کلام انبیاء را بشنوند اندک هستند، آن ها همان رستگاران و راهنمایان به طریق حق می باشند.

۴) کسانی که سخن حق را از انبیاء بشنوند کم اند، ولی آن ها همان رستگاران و هدایت گران به راه حق اند

## ۲) «أخذتني الدهشة عندما شاهدت اجتهاد زميلاتي في أداء واجباتهن أكثر من غيرهن»

- ۱) آنگاه که تلاش دوستان خود را که بیش از دیگران در ادای وظایف خویش می کوشند می بینم در شگفت می شوم
- ۲) وقتی سعی رفقایم را بیشتر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می کنند تعجب و حیرت مرا فرا گرفت
- ۳) آنگاه که فعالیت همکلاسیهایم را در انجام تکالیف بیشتر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم
- ۴) وقتی تلاش همکلاسیهایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فرا گرفت

## ۳) عین الخطأ :

- ۱) واجه حقائق الحياة المرّة بالتفاوتل : با حقیقت های تلخ زندگی با خوش بینی روبرو شو
- ۲) إبتعد عن داعٍ يدعوك إلى الشرّ : از دعوت کننده ای که تو را به بدی می خواند دوری کن
- ۳) المکار من يظنّ أنّ المكر مفتاحُ أرزاقه : حيله گر کسی است که کلید روزی اش را فقط در مکر می یابد
- ۴) ليظهر من السيئات فم تخرج منه آيات القرآن : دهانی که از آن آیات قرآن خارج می شود باید از پلیدی ها پاک شود

## ۴) «اتخذ الله في القرآن أساليب مختلفة لدعوة الناس إلى دينه ، لأنهم مختلفون في ثقافتهم» (هنر ۹۰)

- ۱) اختلاف در فرهنگ ها باعث شده تا خداوند در قرآن مردم را به شیوه های متفاوت به دین خود فرا خواند
- ۲) خداوند مرا به شکل های متفاوت به دین خود فرا می خواند زیرا مردم دارای فرهنگ های متفاوتی هستند
- ۳) از انجایی که مردم فرهنگ های متفاوتی دارند روش های خداوند در قرآن برای دعوت آنها با یکدیگر تفاوت دارد
- ۴) خداوند در قرآن برای دعوت مردم به دین خود روش های مختلفی بکار گرفته زیرا آنها در فرهنگ های خویش مختلفند

٥) عَيِّن النِّعَتَ جُمْلَةً: (سنجش فروردين ٩٣)

(١) هؤلاء الطُّلاب ممتازون في المدرسة! (٢) هؤلاء رجال صلحاء قضوا نحبهم!

(٣) علينا أن نتحمَّل مشاكل الحياة و تعبها! (٤) ما رأيت بين الناس من يُشبهك في الخلق!

٦) عَيِّن ما لَيْسَ فيه نعت: (سنجش اسفند ٩٠)

(١) نشاهد الأراضي الخضراء في شمال بلادنا! (٢) وفق القاضي يتحدَّث في جلسة المحاكمة!

(٣) كنت أطلع الدُّروس المختلفة في الماضي! (٤) وصل تلميذٌ عالمٌ إلى الصَّف خجلاً من تأخُّره!

٧) عَيِّن ما لَيْسَ فيه النعت: (سنجش خرداد ٩٢)

(١) إنَّ أخاك الفائز يسعى دائماً إلى ما يتمنَّى! (٢) فهتمت أموراً كثيرة لم أدركها من قبل

(٣) إنَّ الاجتهاد في حياة الإنسان ضروريٌّ فهو يموت بدونه! (٤) أصبحت صديقتي طالبة بارزة في الصَّف ليست لها بديلٌ لأنني كنت جاهلاً!

٨) عَيِّن الجملة الوصفية (سراسرى رياضى ٨٣)

الف) ظهرت اشعة الشمس المضيئة في السماء (ب) وقف الغزال في نقطة و هو يرقب الصياد

ج) قرأت الكتب التي أخذتها من المكتبة (د) شاهدت في الغابة ظبياً يعشق الجمال

٩) في ايّ العبارة ما جاءت فيها جملةٌ وصفيةٌ؟ (آزاد رياضى ٨٤)

الف) قرأت كتاباً من المكتبة التي تقع في مدرستنا (ب) عندئذٍ رأى كلباً يلهث من العطش

ج) القناعة مالٌ لا ينفد (د) من المؤمنين رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله عليه

١٠) عَيِّن الجملة الوصفية (سراسرى انساني ٨٣)

الف) رايتُ طفلاً و هو ينظر إلى هذه الصخرة العظيمة بدهشة .

ب) رأيت التلميذة مسرورة و قد نجحت في المسابقات فرحةً .

ج) هؤلاء الطالبات المجتهدات شاركن في الحفلة ليكرمن العلماء .

د) كانت المديرة تبحث عن فردٍ في المدرسة يجتهد في أعمال الخير .

۱۱) عین ما لیس فیہ نعت (سراسری هنر ۸۷)

الف) نعلم أنّ المستکبرین الظالمین یُسیطرونَ الآنَ علی العالم

ب) و هذا أمرٌ لا یحدث إلا بسبب إهمال المجتمعات و تکاسلها .

ج) و إن تقاوم الشعوب أمامهم فلا يستطيعون أن یظلموا .

د) و هذا هدفٌ یریده الابرار فی کل العالم .

۱۲) عین ما لیس فیہ نعت (سراسری انسانی ۸۵)

الف) کان رجُلٌ عطشان یجلس فوق جدار قرب نهر

ب) و یتمنی وصولاً سهلاً الی الماء و لكنّ الجدار یمنعه

ج) هكذا الانسان المحبّ لله الذی یطلب أن یصل الیه .

د) لكن حجاب نفسه كالجدار یمنعه فعلیه أن یکسره أولاً .

۱۳) عین الوصف جملة (ریاضی ۹۱)

الف) من آمن و أنفق من امواله الطيبة فی سبیل الحقّ نجا

ب) إن اللّحم غداء مفیدٌ تُکنز فیہ مقادیر كثيرة من البروتین .

ج) لا تشتغل نفسك بأمر غیر مهمة فتغفل عما ینفعک و یهمّک

د) علی المرء أن یتواضع لمن علمه و یحاول أن یصبح أفضل منه

۱۴) عین نعت جملة: (تجربی ۹۱)

الف) الإنسان المؤمن لا یخون فی أمانات الآخرين

ب) هناك جلسة علمية فتعّیرت ساعة الامتحان

ج) إن الجريدة الاسلامية لا تنشر إلا الحقائق

د) إنّ للمؤمن أخلاقاً حسنةً وهبها الله تعالی له

## تست های کنکور کتابهای قدیم متناسب با درس چهارم (مضارع منصوب)

### عَيْن الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ

۱) « يجب أن نسمح لأصدقائنا أن يطرحوا علينا مشاكل حياتهم لعلنا نستطيع أن نزيلها» (سراسری ریاضی ۹۲)

- ۱) واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آنها را حل نماییم.
- ۲) ما به دوستان خود اجازه می دهیم که با مطرح کردن مشکلات زندگی خود با ما بتوانیم آنها را از بین ببریم.
- ۳) باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آنها را برطرف کنیم.
- ۴) بر ما واجب است اجازه ی مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آنها را زایل کنیم.

۲) « قد أنشد هذا الشاعر أبياتاً متعددة في وصف العلم و العالم ليقرأها في مجلس تكريم العلماء الكبار »

- ۱) شاعران بی شماری ابیاتی در مورد دانش و دانشمند سروده اند تا در مجالس بزرگداشت علمای بزرگ خوانده شود
- ۲) این شاعر ابیات متعددی را در وصف علم و عالم سروده تا آنها را در مجلس بزرگداشت دانشمندان بزرگ بخواند
- ۳) بیت های فراوانی را این شاعر درباره ی علم و عالم می سراید تا در مجلسی برای تکریم دانشمندان بزرگ آنها را بخواند
- ۴) در توصیف دانش و دانشمند این شاعر بیت های زیادی سروده است تا در همایش بزرگ علمای بزرگ خوانده شود

۳) « لا تنظر إلى الدنيا بالتشاؤم فإنه يتلف عمرک و لا يسمح لك أن تذوق طعم الحياة الحقيقي »

- ۱) با بدبینی هیچ گاه به دنیا منگر چه عمر را تلف کرده و نمی گذارد تو طعم زندگی واقعی را بچشی
  - ۲) با بدبینی به دنیا نگاه مکن زیرا عمرت را تباه می کند و به تو اجازه نمی دهد طعم حقیقی زندگی را بچشی
  - ۳) به دنیا با بدبینی نگاه مکن زیرا عمر را تلف می کند و به تو اجازه نمی دهد طعم حقیقی زندگی را درک کنی
  - ۴) به این دنیا با بدبینی که زندگیت را تلف می کند نگاه نکن چه اجازه نمی دهد طعم واقعی زندگی را درک کنی
- ۴) عَيْنُ الْخَطَا: (هنر ۹۰)

- ۱) دروغگو اعتماد نزدیکان خود را از دست خواهد داد! إِنَّ الْمَكْذِبِينَ يَزِيلُ اعْتِمَادَ أَقْرَبَائِهِ لِنَفْسِهِ!
- ۲) نتیجه اعمال ما همان است که زود یا دیر خواهیم دید! نَتِيجَةُ أَعْمَالِنَا هِيَ الَّتِي سَنَرَاهَا قَرِيباً أَمْ بَعِيداً
- ۳) اما آنکه عمل می کند، اگر چه ساکت باشد محترم است! لَكِنَّ الَّذِي يَعْمَلُ الَّذِي يَعْمَلُ فَهُوَ مُحْتَرَمٌ وَ لَوْ كَانَ صَامِتاً!
- ۴) آنکه زیاد حرف بزند و کم عمل کند نزد مردم محترم نیست! مَنْ يَتَكَلَّمُ كَثِيراً وَ يَعْمَلُ قَلِيلاً لَيْسَ مُحْتَرَمًا عِنْدَ النَّاسِ!

٥) ما هو اعراب الفعل المضارع فى العبارة التالية على حسب الترتيب «لن تنالوا البرحتى تنفقوا مما تحبون» (آزاد تجربى ٨٠)

الف) منصوب ، مجزوم ، مرفوع  
ب) مجزوم ، منصوب ، مرفوع  
ج) منصوب ، مرفوع ، مرفوع  
د) منصوب ، منصوب ، مرفوع

٦) عین الخطأ فى المضارع (سراسرى هنر ٨١)

الف) اقرأ لأسمع صوتك و أتأمل فى كلامك  
ب) ذهبنا الى سوق لِنشتري الملابس وبعض الاشياء  
ج) لن يهدأ المسلمون حتى يُحققون جميع أهدا فهم  
د) ليت الربيع يدوم حتى نتمتع المعتدل  
٧) کدام مضارع منصوب صحيح است؟ (آزاد پزشکی ٨٤)  
الف) لن يكذبون  
ب) لن يكذبان  
ج) لن تكذبين  
د) لن يكذبوا

٨) عین العبارة التى ليس فيها المضارع منصوباً (سراسرى انسانى ٨٤)

الف) أسالكم أن تسعوا فى وظائفكم حتى تتججوا دائماً  
ب) من صفات المؤمن أنه لن يسرف فى الاكل و الشرب  
ج) كتب الله على بنى اسرائيل القتال و لكنهم لم يقاتلوا فى سبيله  
د) من عادات الدهر أن يُخلق الابدان بعد أن يُعذبها ، فلا تكن مُعتصماً بها

٩) عین «حتى» الناصبة : (سراسرى انسانى ٨٥)

الف) إن أخى سئسا عدنى اليوم حتى يجيء أبى .  
ب) إنه أنفق جميع أمواله قبل وفاته حتى ألبسته  
ج) كانا يتكلمان معاً عن سفرتهما العلمیة حتى بكى الطفل  
د) إعترضت العجوز على الحاكم اعتراضاً حتى أخذت نعايتها

١٠) عین اللام الناصبة: (سنجش آذر ٩١)

الف) لأنتخب العمل المناسب بعد إتمام دراساتي! ب) يجتهد الإنسان ليصنع لنفسه مستقبلاً زاهراً!

ج) لَتَنجِجِ أختي في الامتحان حتي تسرّامي! د) لِنستفد من أوقاتنا حتّى نعمل أعمالنا اليوميّة!

١١) عَيِّن الجُملة لِيَس فيها مضارع منصوب: (سنجش دي ٩١)

الف) الشمس مصدر حرارة الأرض، تطلع لتنتشر نورها في كلّ مكان!

ب) ليسافر الإنسان و يحصل على تجارب عديدة في مناطق جميلة!

ج) تنزل قطرات المطر على الأرض لتسقي النباتات كلّها!

د) الوردة تحتاج إلى جوّ خاصّ لتبقى فيه طريّة!

١٢) عَيِّن الخطأ في نوع اللام: (سراسرى فنى و حرفه اى ٨٤)

الف) خرج الفلاح لطلب الرّزق لأهله: جارة ب) دعوتُ أصدقاني لِيَساعدوني في الدروس: ناصبه

ج) ليعلم الإنسان أنّ عاقبة الكذب سيئة: جازمة د) نحن نتعلم اللغة العربية لفهم لغة عالمية: جازمة

١٣) عَيِّن الخطأ عمل المضارع: (سراسرى فنى و حرفه اى ٨٥)

الف) حاولوا أن تقدّمون في دروسكم ب) لا ينجح أحدٌ إلاّ بالهمة العالية

ج) إن التلميذة لم ترجع من المدرسة د) لِيَساعد أخاك في مشاكله المالية

١٤) عَيِّن «لام» الجازمه: (أزمايشى سنجش ٨٩)

الف) هي تدرس التاريخ ليفهم الطلاب حقائق القرون الماضية

ب) هو يهيّء ملزومات السّفر ليذهبوا جميعاً إليه

ج) تتعلّم أسرار العالم الغامضة لتحصل على ما تريد

د) يا ايها الناس: لندع الله حتّى يستجيب لنا

١٥) عَيِّن العبارة التي ماجاء فيها «فعل مضارع منصوب»

الف) المؤمنون لَن يكذبوا من أجل زخارف الدنيا ب) دخلت الطالبة الصف لتساعد صديقتها

ج) الكذب عمل قبيح ، لنجتنبه د) أرسل الله الانبياء، لِيَتؤمنوا به و برسوله

١٦) عَيِّن حرف اللام الناصبة: (زبان ٩٢)

الف) الأمم المسلمة لتستيقظ من نوم الغفلة

ب) إن المؤمنين ليعتمدوا على الله في جميع الاحوال

ج) علينا أن نتناول الأطعمة المفيدة لنتمتع بها في الحياة

د) لنبحث عن علل تقدّم الآخرين و نجعلها نصب أعيننا